

روایت چهار ساعت حضور خبرنگار «فرهیختگان» در تکیه‌گاه آقامرتضی علی<sup>(ع)</sup>

# کار اجتماعی تمیز حسین چی‌ها



زینب مرزوقی خبرنگار گروه نقد روز

وقتی نام هیئت عزاداری به میان می‌آید، همه ما ذهنمان به سوی فضایی معنوی معطوف می‌شود که مداح یا واعظ، در رأس هیئت مشغول روضه‌خوانی و عزاداری است. جایی که چای روضه‌دارد و احتمالاً بعد از گریه برای حضرت ابا‌عبدالله و سینه‌زنی، سهم‌مان از مجلس اهل بیت را در دست می‌گیریم یا بر سرسفره خاندانشان در همان فضای هیئت می‌نشینیم. تکیه آقامرتضی‌علی اما چندسالی است که تمام تصورمان از هیئت را برهم‌زده و به دنبال آن مؤسس هیئت یعنی «عبدالرضا هلالی» درحال بازتعریف از حضوریک مداح‌در جامعه‌است. هیئت‌الرضا یا همان تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی درکناریک فضا و مکان معنوی، حالا ملجاء و پناهگاه دردمندان منطقه هرندی تهران است و عبدالرضا هلالی با بقول خود مردم منطقه هرندی «آقارضا» فقط یک مداح یا واعظ نیست، بلکه کسی‌است که برای مشکلات مردم هرندی گوش‌است و هرچه از نام و اعتبار ذکر اهل بیت کسب کرده، همه را جمع کرده و برای گره‌گشایی از مردم منطقه هرندی به میدان آورده است.

وقتی از او پرسیدم چه شد که تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی و عبدالرضا هلالی در محله هرندی شش۰۰ غذا پخت می‌کنند و آدم‌ها از جنوبی‌ترین نقطه تهران هم خودشان را به اینجا می‌رسانند، گفت: «همه‌چیز از یک مرغ بریانی شروع شد. چیزی که من در کودکی حسرتش را داشتم اما پولش را نداشتم. بزرگ شدم و پولش که جور شد، دیدم دندانش را ندارم. تصمیم گرفتم که این مرغ را با آدم‌های دیگر شریک شوم تا کسی حسرت به دل نماند.»

■ ■ ■

### تلاش برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در تعارض با روضه‌خوانی نیست

منطقه هرندی در جنوب تهران واقع است. قدیمی‌ها، هرندی را به محله شهید نواب صفوی می‌شناسند، اما هر چه به نسل جدید و جوان‌ترها نزدیک‌تر می‌شویم، هرندی در میان آن‌ها نمادی از معضلات و آسیب‌های مختلف اجتماعی‌است. از کارتن‌خوابی تا خرده‌فروشی انواع مواد مخدر در منطقه هرندی تا همین چندوقته اخیر رایج بود. عبدالرضا هلالی مداح محبوب و مؤسس هیئت‌الرضا، چندسال گذشته تصمیم می‌گیرد تا با انتقال هیئت‌الرضا و ساخت تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی، روند موجود در منطقه هرندی را تغییر دهد و در راستای فعالیت اجتماعی یک مداح که دغدغه اجتماع و محیط پیرامون خود را دارد، با آسیب‌های اجتماعی منطقه حتی بیش از سازمان‌های متولی، پای کار بیاید. آنچه طی این سال‌ها از هلالی دیدیم، این بود که انگار این مداح برای خود مأموریتی ترسیم کرده و به‌دنبال انجام این مأموریت، درحال کار و فعالیت در منطقه هرندی‌است. وقتی از او پرسیدم مأموریتی که عبدالرضا هلالی برای خود ترسیم کرده، چیست؟ گفت: «رسالت اصلی یک مداح، روضه‌خوانی و ذکر فضائل و احیای فرهنگ حسینی است. حضور در میان کارتن‌خواب‌ها یا غذاسانی و تهیه خوراک و پوشاک معتادان شوش، هیچ‌کدام جدا از این مکتب نیست و فکر می‌کنم بخشی از رسالت یک مداحی است که دم از امام حسین و اهل بیت می‌زند. اینکه بتوانی در این راستا در عمل هم یک کار انجام دهی و تنها این نباشد که فقط یک روضه‌خوانی یا مداحی کنی. به‌سپه در سابق نیز همین‌امر در جامعه در میان مداحان و روضه‌خوانان متداول بود. اما ما دیگر با توجه به اقتضانات، آن را به‌روز کردیم.»

بقول خود هلالی، تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی، از قصد به منطقه هرندی آمده و سفره انداخته‌است، یعنی با توجه به موقعیت منطقه هرندی، حضور در این منطقه کاملاً هدفمند و با برنامه‌است. نکته مهم‌تر این‌است که احتمالاً سفره انداختن و اطعام در منطقه هرندی، با توجه به شرایط و احوالات مردمش قابل توجه‌است. خود هلالی معتقد است که «این سفره انداختن فقط به تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی‌است که می‌آید و شاید اگر یک مداح دیگر در منطقه‌ای دیگر و بهتر، هرشب سفره بیندازد و اطعام دهد، با توجه به موقعیت منطقه آن هیأت، خیلی کار قابل توجهی نباشد.»

هلالی در توضیح کارهایش در منطقه گفت هیئت را به جایی آورده تا درکنارش بتواند به مردم هم خدمت کند. مردمی که شاید حتی در تهیه یک وعده غذایشان نیز مشکل داشته و گرفتار باشند. «نانی که هر شب اینجا طبخ می‌شود، شاید برای ما چیزی نباشد اما واقعاً برای خیلی از مردم اینجا، یک وعده غذای گرم است. قبل‌ترها وقتی کسی می‌خواست به مردم منطقه غذاسانی کند، شیشه ماشین را پایین می‌داد و آرام یا با ترس، غذا را به دست مردم می‌دادند. حالا اما در یک حسینییه و جایی که روضه امام حسین آنجا خوانده می‌شود، سفره انداخته می‌شود. این سفره انداختن نباید محدود به ایام محرم یا روزها خاص شود. هر شب می‌شود به نیت اهل بیت، سفره انداخت.»

هلالی در بین صحبت‌هایش تأکید کرد تمام کارهای تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی و پخت روزانه ۵۰۰ غذا برای وعده شام؛ همه با کمک‌های مردمی‌است. «این نیست که آقای هلالی پول این کارها را می‌پردازد. اینطور نیست. افراد مختلفی دخیلند. طبخ روزانه ۵۰۰ پرس غذا کار آسانی نیست. ما در خانواده‌هایمان وقتی زن خانه یک هفته غذا می‌پزد، بالاخره بعد از یک هفته می‌گوید امشب دیگر شام با شمامس. اما پخت و اطعام روزانه ۵۰۰ غذا یک همت جمعی می‌خواهد. درکنارش هم هزینه‌ای که مدام واریز شود تا بتوانیم مدام خرید کنیم. مردم به حساب تکیه‌گاه واریز می‌کنند. نذری‌هایشان را برای آئینز خانه اینجا می‌آورند تا در نهایت هر شب یک وعده غذای گرم پخت شود. هر شب در حد وسعمان یک نوع غذا داریم. اما مهم آن است که این رسم تکیه‌گاه، از همان ابتدا تا به امروز ترک نشد. هر شب ساعت ۸ سفره است.»

### بازتعریف هیئت با توجه به اقتضانات زمان ومکان

نکته‌ای که در این بین وجود دارد و تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی را از سایر هیئات جدا می‌کند، این استس که درک عبدالرضا هلالی از زمان و مکانی که در آن قرار دارد، درک درستی است. تا پیش از ساخت تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی در آن منطقه، می‌توان گفت تعامل با آسیب‌دیدگان اجتماعی منطقه هرندی تقریباً مخصوص یک طیف و عمدتاً قشر غیر مذهبی بود. اتفاقی که در این میان و پس از ورود تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی در منطقه هرندی افتاد، این بود که برای کاهش آسیب‌های اجتماعی منطقه هرندی، تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی با گروه‌های فعال در منطقه هرندی به تعامل رسید. بعد دیگر حضور تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی در منطقه هرندی، این بود که به دلیل شکل حضور و نگاه واقعی این تکیه‌گاه، حضورش با برخی گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در تعارض بود.

در بین عموم مردم جامعه جافتاده که روضه‌کسی بخواهد مثال کار بی حساب شده و شلخته را بزند، می‌گوید فلان کار را هیئتی پیش‌بریم. درصورتی که هیئت قدیمی‌ترین پایگاه مردم‌نهاد یا همان آن‌چی او محسوب می‌شود. در هیئت این کارکرد خدمات اجتماعی از قبل وجود داشته‌است. بزرگان هیئت، همیشه ملجاء آدم‌ها بوده‌اند و مردم هنگام تشنگا و گرفتاری به آن‌ها پناه می‌بردند. اما این کارکرد، باید یک روز اجتماعی قابل توجه داشته باشد و نقطه تعامل هیئت و مردم، خدمات اجتماعی‌است؛ شاید مدت‌ها بود که فراموش شده بود.

هیئت در سال‌های اخیر، در گره دیگری از تعامل با مردم گرفتار بوده و در سوی دیگر، حضور هیئت‌الرضا و تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی در منطقه هرندی، خدشده به وجهه هیئت نبود، بلکه بازتعریف تازه از هیئت با توجه به شرایط زمانه و اقتضانات منطقه است و از قصداً احیای کارکرد اجتماعی هیئت است. بعد دیگر ماجرای حضور تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی در هرندی، این است که ما بناهای مذهبی بسیاری در کشور داریم که متأسفانه علیرغم میلمان کارکردی ضندخود دارد. در آن مسجد بسته است یا تجملات کارشده در آن فضا بسیار بیش از حد است یا اینکه تنها برای قشر و طیف خاصی است و همه نمی‌توانند در آن فضای مذهبی حضور داشته باشند.

عبدالرضا هلالی اما با تکیه‌گاه به‌دنبال این بود که مکانی مذهبی به‌وجود بیاید تا مردم منطقه آسیب‌دیده هرندی، خودشان را در آن فضا ببینند. مردم منطقه‌ای که شاید حتی اگر به آن‌ها توجه هم شده باشد، مبای آن از روی محبت نبوده‌است.

وقتی یک مداح مانند عبدالرضا هلالی، هیئتش را به منطقه‌ای مانند هرندی می‌برد، پیام اولی که می‌رسانند این است که مردم مختلف را برای حضور در آن منطقه دعوت می‌کند. بافت حضور مردم در هیئت با توجه به منطقه تغییر

می‌کند. هلالی گفت بسیاری از مخاطبان هیئتش را با انتقال هیئت به هرندی از دست داد؛ چراکه به اعتقادشان پایین شهر خطرناک است. هدف و رسالت اصلی رضا هلالی در ساخت تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی اصلاح فضای اجتماعی حاکم بر منطقه هرندی با حضور میدانی خودش و از طریق هیئت است. از خاطره‌های جالب‌توجه هلالی در خلال توضیح و تشریح فعالیت‌هایش در منطقه هرندی و ارتباطگیری مردم هرندی با تکیه‌گاه این است که در التهابات ۱۴۰۱ مردم منطقه هیچ بی‌حرمتی نسبت به تکیه‌گاه نداشتند؛ چراکه به اعتقاد خودش، مردم هرندی از تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی خدمات گرفتند و در آنجا خودشان را دیدند. بی‌هوا وقتی کسی از مردم منطقه از کنار هلالی می‌گذرد، چه سواره‌باشد و چه پیاده، به پشت‌سرش برمی‌گردد تا با احترام به «آقارضای منطقه هرندی» سلام کند. اکثر مداح‌ها و روضه‌خوان‌ها معتقدند هر چه آبرو و اعتبار دارند، همه از روضه حضرت ابا‌عبدالله و اهل بیت است. هلالی هر چه آبرو در میان مردم کسب کرده همه را با خود آورده تا پای کار مردم آسیب‌دیده منطقه هرندی باشد و همین‌هم او را به‌وضوح در میان مردم منطقه، عزیز تر کرده‌است.

### پناهگاه آقامرتضی‌علی

کار تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی با اطعام و پخت غذا آغاز شده بود. رفته‌رفته وقتی می‌بینند کارتن‌خواب‌های منطقه شوش هم بر سرسفره اطعام شام تکیه‌گاه می‌آیند، نیاز به ساخت حمام در آنجا احساس شده‌است. حمام‌های تکیه‌گاه را می‌سازند و به‌دنبال آن برای کارتن‌خواب‌ها حتی آبگرمی می‌آورند. هلالی تعریف کرد وقتی مشکل حمام حل شد، بعضی از معتادها سراغش آمدند و دندنان‌های خرابشان را نشانش دادند یا با این دهان و دندان، توانایی لذت از شام تکیه‌گاه را ندارند. به‌دنبال این اوضاع، در همان فضای تکیه‌گاه یک کلینیک دندانپزشکی رایگان هم احداث شد تا مردم منطقه هم از خدمات رایگاناش استفاده کنند.

فضای اطراف تکیه‌گاه به دلیل وجود کارتن‌خواب‌ها در پارک کنار تکیه‌گاه ناامن بود. با همکاری شهرداری و هیئتی‌های تکیه‌گاه، دور پارک دیوار کشیده شد و امنیت نیز به پارک منطقه بازگشت. هلالی با کمک مردم، ساختمان روبه‌روی تکیه‌گاه را اجاره کرد و با بازسازی آن به‌دنبال ایجاد یک در مانگاه بود. هنوز البته کارهای در مانگاه کامل نشده و در مانگاه تکیه‌گاه به پزشکان مشتاق خدمت به مردم منطقه نیاز دارد.

هلالی در تمام آن مدت به‌دنبال این بود که برای تکیه‌گاه و منطقه یک شهید گمنام بیآورد اما مانع ترانشسی‌های زیادی اتفاق افتاد، درنهایت اما شهید گمنام هم به منطقه می‌آید و برای میهمان شهیدش یک گلزار بنا می‌کند. شهید میزبان یک عروس و داماد می‌شود و همین ماجرا هم سرآغاز کلنگ‌زنی یک تالار عروسی در آن منطقه می‌شود.

البته خدمات تکیه‌گاه به همین‌جا ختم نشده‌است؛ هیئتی‌های تکیه‌گاه، حتی به کمک شهرداری منطقه رفتند و ساختمان مخروبه‌ای را که هر آن ممکن بود حادثه بیافریند برای شهرداری تبدیل به پارکینگ کرد. هلالی گفت بین تمام این کارها اما احساس کرد چیزی کم‌است. کارهای تکیه‌گاه و خدمات این سال‌ها را مرور کرده، متوجه این می‌شود که این کارها وقتی به سرانجام می‌رسد که با توزیع و فروش مواد مخدر مقابله شود. به‌سراغ پلیس مبارزه با مواد مخدر که می‌رود، درنهایت به این نتیجه می‌رسند که ساخت ساختمان پلیس مبارزه با مواد مخدر هم به‌عهده تکیه‌گاه باشد و تأمین نیروها با خود پلیس. اسکلت ساختمان بناشده و حالا ادامه کار، بستگی به پای‌کار آمدن مردم و خیرین دارد. تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی البته کارهای ناتمام دیگری هم دارد. هیئتی‌های دغدغه‌مند، یک مرکز دخترانه و یک مرکز پسرانه نگهداری از کودکان بدسرپرست را نیز در دست ساخت دارند و با همکاری شهردا سابق منطقه ۱۲ نیز در حال ایجاد یک کمپ ترک اعتیادند. در این میان کلاس‌های قرآن و سایر فعالیت‌های فرهنگی مانند اکران فیلم برای کودکان و نوجوانان به دست کاربلد‌های فرهنگی درحال انجام است.

تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی با ششکل فعالیتست و خدماتی که ارائه می‌دهد به یک پناهگاه در منطقه هرندی تبدیل شده‌است. کسی که گرسنه‌است، مردی که به‌خاطر مصرف مواد مخدر تمام زندگی‌اش را از دست داده، پدری که فشار

روزرگ کمرش را خم کرده، مادری که شرم‌دار بگویی تش پر از بیماری و مرضی‌است و فرزندکی که به‌خاطر بی‌پولی و نداری خانواده، ترس دارد بگوید به اقتضای سن و سسالش، دلش یک تفریح نوجوانانه می‌خواهد؛ همه سراغ تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی می‌روند.

### در خانه امام حسین<sup>(ع)</sup> روی همه باز است

«من با این کارها حالم خیلی خوب است. احساس می‌کنم در مداحی با لغر شده‌ام. مداحی کردن بسیار خوب است. مدح و مناقب اهل بیت گفتن خیلی خوب است، اما آرزوی من این است و از خدا می‌خواهم که لذت این اتفاق را به افرادی که توانایی این کار را دارند و ششاید در این جهت حرکت نمی‌کنند را به آن‌ها بپشانند.» هلالی در ادامه گفت‌وگو افزود: «خوشحالم در منطقه‌ای آدم‌کم به‌بخش عظیمی از مستمعین من ریخت. عده زیادی نیامدند اما معتقدم این کار برکت دارد و مردم زیادی از کارهای امروز تکیه‌گاه، بهره‌مند می‌شوند.» هلالی توضیح داد تکیه‌گاه ۸۰۰ خانواده را تحت سرپرستی دارد و ۲ ماه یکبار یا با توجه به نیازشان، هزینه آن‌ها را برای معاینات پزشکی به‌عهده می‌گیرد. هلالی اما نگاه متفاوتی درباره ترسک اعتیاد و کمپ دارد. او تعریف می‌کند: «روزهای اول، یک آقایی بود که شش‌ها برای شام می‌آمد تکیه‌گاه. یک شب من خوشحال و شاد بالای سرش رفتم و گفتم که سلام آقا دوست داری ترک کنی؟ نگاهی به من کرد و گفت: «گمشو بابا!» بدلاخلاق بود اما من همیشه با روی گشاده به او غذایش را می‌دادم. چند وقت بعد که با هم آشنا شدیم، دوباره بالای سرش رفتم و همان سؤال را پرسیدم. یکبار گفت: «به نام خدا! آقا خوب رضا، ترک کردم. بعدش چه؟ بعد قرار است چه کنم؟» دیدم بی‌جانی‌گوید. این آدم ناامید استس. باید اول جهانش را تغییر داد. باید از خانواده مطمئنش کرد که زمان ترک، تنها نمی‌ماند. متأسفانه در کمپ‌ها شبیه به زندان، به معتادان در حال ترک، لباس متحدالشکل می‌دهند. بی‌هیچ ایده‌ای در فضای بصری کمپ نگهشان می‌دارند. بی‌هیچ توانمندی هم رهایشان می‌کنند. تمام این‌ها می‌تواند تغییر کند. من می‌خواهم نشان دهم اگر بخواهیم، می‌توانیم شکل تازه‌ای از کاهش آسیب یک منطقه را پیش برد.»

هلالی در خلال گفت‌وگو سر درد و دل را هم باز می‌کند. برخی نهادها به جای کمک در کاهش آسیب اجتماعی، پولتن‌های داخلی و فیک می‌سازند و در آن‌ها عنوان می‌کنند که تکیه‌گاه آقامرتضی‌علی به‌دنبال گداپرووری است. یک‌روز آمدند در تکیه‌گاه گفتند دوست‌داری در خانه‌ات گدا و معتاد جمع شود؟ من هم گفتم من که در نیاورن تکیه‌گاه نژدم. در این محله، پیش از فعالیت تکیه‌گاه؛ اکپ‌های مختلط در کنار هم مواد مخدر مصرف می‌کردند. از این بدتر که نداریم. بخشی از این‌ها که کمپ نمی‌روند، وقتی گرسنه‌شان می‌شود، لاستیک ماشین را باز می‌کنند یا شیشه‌اش را می‌شکنند. رسالت من در اینجا حسینییه است. من کسی را نمی‌گیرم و نمی‌بندم. کاری ندارم که چه کاره‌است. سر سفره امام حسین، مسیحی و کلیمی هم در این منطقه می‌آیند. من نمی‌توانم به این‌ها بگویم که چرا به خانه امام حسین آمدی؟ در خانه امام حسین روی همه باز است.

با تمام این کارها اما عبدالرضا هلالی همچنان دلش نمی‌خواهد نامش مطرح شود. همچنان دوست دارد در سکوت و به دور از دوربین و فضای مجازی، به مردم منطقه هرندی خدمت کند. هلالی می‌گوید بارها شده‌است که کادوهای تولدش را خرج آزادسازی زندانی‌ها کند. یا اینکه چنبدباری، هزینه روضه‌خوانی‌اش را تجهیزیه برای نوعر و سسان منطقه هرندی خواسته‌است. اما باز هم به‌برخی‌ها یکبار نشده، نام هلالی یا تکیه‌گاه را برای این خدمت به خلق خدا به نیکی بیاورند. خود هلالی گفت: «انتظار همکاری و همیاری ندارم. می‌شنوم که می‌گویند هلالی، حنجره‌اش را خرج حضرت ابا‌عبدالله نمی‌کند!» باور هلالی این استس که تکیه‌گاه آقا مرتضی‌علی، بسته به نام و یا محجورش نیست. البته که این حرفش نیز حرف بیراهی نیست. کار خیر و تلاش برای کاهش آسیب اجتماعی آن هم در منطقه‌ای مانند هرندی، بسته به یک نفر نیست و همت یک جمع را می‌خواهد. جمعی که یک شب دور هم برای حضرت ابا‌عبدالله اشک می‌ریزند و یک شب از حب حضرت امیر لبریزند. حالا دور هم جمع شدند تا با نام تکیه‌گاه آقا مرتضی‌علی، به مردم خدمت کنند و تمام ماجرا همین است.

### مصوبهٔ مجلس مشکل به‌هم‌ریختگی زمان انتخابات را حل نکرد

# سرنخ سیاسی زمان انتخابات شوراها؛ حفظ وضع موجود



زهرا طبیبی خبرنگار گروه نقد روز

نمایندگان مجلس روز گذشته با ۱۲۴ رأی مخالف در مقابل ۱۱۷ رأی موافق با تمدید یک‌ساله شورای شهر مخالفت کردند و این یعنی انتخابات در موعد مقرر خرداد ۱۴۰۴ برگزار می‌شود، اما یک‌ساعت پس از رأی منفی نمایندگان به این پیشنهاد، مالک شریعتی، پیشنهادی مبنی بر تعویق ۶ ماهه انتخابات شورای شهر را مطرح کرد. بر مبنای پیشنهاد اصلاحی جدید، دوره ششم شورای شهر در ۲۳ دی‌ماه ۱۴۰۴ خاتمه پیدا کرده و دوره هفتم از ۲۴ دی‌ماه شروع به‌فعالیت می‌کند. مجلسی‌ها اما برخلاف انتظار با ۱۳۶ رأی با این پیشنهاد موافقت کردند و این یعنی دوره ششم شورا، چهارسال‌ونیم خواهد بود. این پیشنهاد بیشتر از آنکه به‌نفع انتخابات شورای شهر باشد، زمانی را در اختیار داوطلبانی قرار می‌دهد که قصد دارند در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس نامزد شوند، اما دردی از انتخابات شورای شهر دوا نمی‌کند، مشکلاتی که مجلس برای حل آن‌ها، پیشنهاد تعویق یک‌ساله انتخابات را مطرح کرده بود، در این تعویق ۶ ماهه حل نمی‌شود. ازجمله اینکه امکان اجرایی نشدن قانون اصلاحی شورای شهر مصوب مجلس، به‌خاطر زمان کوتاه باقی مانده تا انتخابات وجود دارد، از طرفی نقص قانونی که بر مبنای آن باید هر دوسال یک‌بار انتخابات برگزار شود نیز به قوت خود باقی است. با فرض تأیید این طرح توسط شورای نگهبان، تعویق ۶ ماهه انتخابات به بهتر شدن اوضاع انتخابات شورای شهر کمکی نمی‌کند و اتفاق بدتر آنکه مشکل تازه‌ای هم برای شورای شهر هفتم ایجاد می‌کند، به این خاطر که در صورت شروع فعالیت شورای شهر هفتم از ۲۴ دی‌ماه، اقامت شورای هفتمی‌ها در خیابان بهشت، به جای سه‌سال، دوسال‌ونیم خواهد بود.

■ ■ ■

### نمایندگان به تعویق یک‌ساله انتخابات نه گفتند به ۶ ماهه رأی

بعد از برگزاری انتخابات مجلس در اسفند ۱۴۰۲، حادثه پرواز اردیبهشت باعث شد کشور در آستانه انتخاباتی زود هنگام قرار گیرد، برگزاری این انتخابات چالش‌هایی را به وجود آورد، ازجمله اینکه در کمتر از دوسال،

# فرهیختگان

# روزگار

# روزگار

دوشنبه ۸ بهمن ۱۴۰۳

شماره ۴۳۴۰

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

